

بررسی فقهی وظایف حکومت اسلامی درباره عبادات

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۵/۲/۲۱

نجفعلی غلامی *

عبادات در اسلام و فقه العبادات در ابواب فقهی، از جمله مباحثی است که گرچه جنبه فردی آن بر جنبه‌های دیگر غلبه دارد، با یکسری مسائل اجتماعی و حکومتی در تعامل و ارتباط است که حکومت نیز درباره اجرا، تحقق، حمایت و نظارت بر حسن اجرای آن در جامعه و وظیفه، رسالت و به تبع آن اختیاراتی دارد. این مقاله در صدد واکاوی طرح ادله اجتهادی و وظیفه‌مند بودن حکومت در خصوص ابعاد سه‌گانه تحقق، حمایت و نظارت در عرصه عبادات است. نویسنده با تکیه بر ادله اجتهادی می‌کوشد وظایف یادشده را برای حکومت اسلامی در عرصه عبادات مستدل کند.

کلیدواژگان: حکومت اسلامی، عبادات، ادله فقهی، اجرا، ضمانت، نظارت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مقدمه

پرسشی که ابتدا به ذهن خطور می‌کند این است که: چگونه می‌توان بین عبادات که امری فردی و مرتبط با رابطه انسان با خداوند متعال است و حکومت که مربوط به وجه اجرایی زندگی سیاسی است، ارتباطی تصور کرد؟ عبادت امری ملکوتی و تبلور ارتباط عاطفی انسان با خالق و معبود خویش است و اصولاً تصور لایه‌های ارتباطی آن با حکومت، تصویری دشوار و دور از ذهن می‌نماید.

درباره تجزیه و تحلیل کیفیت مرتبط بودن عبادات و حکومت، باید توجه کرد که نسبت احکام و قوانین دینی به حکومت و چگونگی رسالت و وظیفه حکومت درباره احکام شریعت، با توجه به نوع احکام، متفاوت و متغیر است. این احکام به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱. برخی از احکام شریعت به صورتی است که تحقق آن بدون وجود حکومت اسلامی اصولاً تصور ندارد و رابطه‌ای حداکثری میان احکام دینی و حکومت اسلامی دیده می‌شود؛ احکامی مانند تشکیل سازمان بیت‌المال، تشکیل سازمان قضاوت، اجرای فراگیر و همگانی حدود الهی، دفاع از امنیت کشور و غیره. براین اساس، رسالت و وظیفه حکومت اسلامی درباره این امور، رسالت و وظیفه‌ای حداکثری است و به فعلیت رسیدن امور آنها به تحقق حکومت اسلامی و تلاش آن برای تحقق این امور وابسته است.

۲. برخی از احکام در مراحل اولیه خود، وظیفه مکلفان و از حیثه اختیارات حکومت اسلامی خارج است، ولی در مراحل بعد نیازمند دخالت حکومت است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر که در مراحل اولیه و تذکرات لسانی برعهده مکلفان است و در مراحل که به برخورد نیاز دارد، حکومت اسلامی باید مداخله کند و از این رو، در مراحل خاص تحقق منوط به تحقق حکومت اسلامی است.

۳. برخی احکام شریعت نیز بدون تحقق حکومت اسلامی قابل تحقق و فعلیت است، ولی وجود حکومت اسلامی سبب تکامل آنها می‌شود و آسیب‌های احتمالی‌شان را کاهش می‌دهد؛ مانند احکام احوال شخصی، همچون ازدواج، طلاق، فقه معاملات، احکام بلامتولی و غیره.

۴. برخی احکام اگرچه در تحقق و فعلیت منوط به تحقق حکومت نیستند و مکلفان بدون حکومت هم قادر به تحقق آنها هستند، وجود چتر حمایتی و نظارتی حکومت اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز تحققشان باشد؛ نظیر عباداتی مانند طهارات، نماز، روزه و حج.

هدف در این تحقیق، همین نوع از احکام هستند. بنابراین، عبادات در تحقق نیازمند





حکومت اسلامی نیستند، ولی وجود حمایت و نظارت از سوی حکومت اسلامی، زمینه تحقق آنها، به‌ویژه ابعاد اجتماعی و سیاسی عبادات، مانند نماز جمعه، نماز عیدین، حج و غیره را راحت‌تر و متکامل‌تر می‌کند. بنابراین، بررسی فقهی وظیفه و رسالت حکومت را درباره عبادات بر اساس تحلیل و دیدگاه فوق مطرح و بررسی می‌کنیم.

دلیل بر مرتبط بودن حکومت و عبادات در اسلام، توجه به اهداف حکومت اسلامی و تفاوت آن با حکومت‌های طاغوت است. واقعیت این است که فلسفه و هدف نهایی حکومت‌های طاغوتی، رسیدن به قدرت مادی و مطامع دنیوی است و اصولاً ابعاد معنوی و فرهنگی انسان در دستگاه تحلیلی این نوع حکومت جایگاهی ندارد و این امور به خود افراد واگذار شده است، ولی با توجه به آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام اهداف حکومت اسلامی عبارت‌اند: از حاکمیت دین و قوانین الهی در جامعه، استقرار امنیت جانی، مالی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تعلیم و تربیت و رشد جامعه در جنبه‌های گوناگون و در نهایت فراهم ساختن بندگی خداوند و سیر الی الله (حج: ۴۱، نساء: ۵۸، ص: ۲۶، حدید: ۲۵).
براین اساس و با توجه به این که رسالت حکومت اسلامی قرار دادن انسان‌ها در مسیر رشد و تعالی است، درباره زمینه‌سازی روی آوردن مردم به عبادات و حمایت از عبادات و نظارت بر عبادات وظیفه و رسالت دارد. در این تحقیق در قالب سه گفتار ابتدا به اقوال فقها در این مبحث می‌پردازیم و سپس ادله بحث را ارائه می‌کنیم و در نهایت نقش اجرایی، حمایتی و نظارتی حکومت را در عبادات مطرح خواهیم کرد.

۲. طرح مبحث در اقوال فقها

وظیفه‌مند بودن حکومت اسلامی در خصوص عبادات دینی، مسئله‌ای مورد توافق فقهاست و بسیاری از ایشان بر این مبحث تأکید داشته‌اند. در این جا از باب نمونه به نقل دیدگاه‌های سه تن از ایشان می‌پردازیم:

الف) محقق کرکی

محقق ثانی از فقیهانی است که در دوران حکومت صفوی در ایران، در منصب شیخ الاسلامی، فقیهی بود که فقه را وارد عرصه حکومت و اجتماع کرد و بسیاری از شئون دینی و عبادی را سروسامان داد. او حاکم اسلامی و فقیه جامع شرایط مبسوط‌الید را موظف به انجام امور دینی می‌دانست و بر این مسئله تأکید خاصی داشت. کرکی در «کتاب الوقف» جامع المقاصد چنین می‌گوید:



والدفن، للاقباض وجه القرب انه نائب للمسلمين و هو فى الحقيقة وقف عليهم، و لأن الوالى للمصالح العامة هو، فيعتبر قبضه (كركى، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵).

در حقيقت او در اين بيان مى كوشد حاكم و فقيه را در برخى موارد جانشين امام معصوم معرفى كند و رسيدگى به اماكن عبادى و عبادات را كه از وظايف و اختيارات ايشان است، به فقيه و حاكم نيز تسرى دهد.

ب) شهيد ثانى

شهيد مى نويسد:

ويجوز للمؤذن و..... هذه المعدودات كلها من جملة مصالح الاسلام التى هي محل الرزق من بيت المال و هو غير منحصر فيمن ذكر، بل ضابطة كل مصلحة دينية و منه تدريس العلوم الشرعية و ائمة الصلوات والعدل المرصد للشهادة و غير ذلك... لأن ذلك كله من اهم المصالح (شهيد ثانى، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۵).

و در بيان ديگر مصالح را اين گونه تبين مى كند:

المراد بالمصالح، مصالح المسلمين، مثل بناء القناطر و المساجد و ترتيب ائمة الصلوات و المؤذنين و القضاة والجند و نحو ذلك (همان).

بنا بر بيان شهيد مى توان نتيجه گرفت كه «مصالح» عنوانى كلى است كه مصاديق متعددى را دربرمى گيرد كه همه آنها جزء اولويت هاى حاكم اسلامى به شمار مى آيد و به يقين مى توان گفت اقامه عبادات و تعظيم شعائر دينى و رسيدگى به حسن اجراى مناسك دينى، از مهم ترين مصالح شمرده مى شود و حكومت از بيت المال مسلمانان بايد از آنها حمايت كند؛ چه اين كه خود شهيد مواردى را براى نمونه ارائه مى دهد؛ مانند مؤذن، ائمه جماعات و ساختن مساجد.

ج) فيض كاشانى

فيض كاشانى از فقيهانى است كه فكرى جديد در عرصه فقه حكومتى دارد. نوع نگاه فيض به فقه و زاويه ديد وى به مباحث فقهى و تقسيم بندى او در ابواب فقه به باب عبادات و سياسات و ديانت و معاملات، حاكى از اين است كه او فقه را از دريچه فردى خارج کرده و نگاهی اجتماعى - سياسى و تا حدودى حكومتى بدان دارد. با اين نظرگاه، فيض در بحث حدود اختيارات و حيطه وظايف فقيه در عرصه اجتماع و قدرت سياسى - در صورت توان - با ديدگاهى باز بسيارى از مسائل عبادى، اجتماعى، مدنى، سياسى و حكومتى را متوجه فقيه مى داند. ايشان در همين بحث - اختيارات فقيه - معتقد است:

وبالجملة فوجوب الجهاد والأمر بالمعروف و نهى عن المنكر و التعاون على البر و التقوى و الإفتاء و الحكم بين الناس بالحق و اقامة الحدود و التعزيرات و سائر السياسات الدينية من ضروريات الدين... الا الجهاد الذى هو يشترط فيه اذن الامام عليه السلام بخصوص فيسقط فى زمان غيبته... وكذا اقامة الحدود و التعزيرات و سائر السياسات الدينية، فإن للفقهاء المأمونين إقامتها فى الغيبة بحق النيابة عنه عليه السلام اذا أمنوا الخطر على انفسهم، او أحد من المسلمين على الأصح، وفاقا للشيخين و العلامة و جماعة، لانهم مأذونون من قبلهم عليه السلام فى امثالها، كالقضاء و الإفتاء و غيرهما لإطلاق ادله و جوبها و عدم دليل على توقفه على حضوره عليه السلام (فيض كاشانى، بى تا، ج ۲، ص ۵۰).

همان طور که از عبارات فیض هویدا است، ایشان محدوده اختیارات ولی فقیه را به چند بخش امور مالی، امر قضایی و مدنی، اقامه حدود و امر به معروف و نهی از منکر و امور حسبیه تقسیم می کند و سپس در موارد مختلف به تفصیل وارد بحث می شود. یکی از مواردی که فیض کاشانی جزء وظایف فقیه برمی شمارد، تعاون بر تقوا و بر و نیز سیاست دینی است که مهم ترین مصادیق آن، عبادت های دینی نظیر نماز و حج است. از این رو، از این بیان فیض به این نتیجه می رسیم که اقامه عبادات نیز جزء مسائلی است که باید در اولویت کار حکومت اسلامی قرار گیرد. نکته مهم در بیان فیض ادعای موافق بودن شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و جماعتی از فقها با رأی خود است که از وجود اجماعی از فقها بر این مسئله خبر می دهد.

البته باید به این نکته توجه داشت که اولاً، تصریح فقها بر «حاکم اسلامی» به جای «حکومت اسلامی» در عبارات های خود، از آن روست که تحقق حکومت اسلامی به معنای نهادی سیاسی در دوره ایشان امری دور از ذهن بوده است و فقها، بسیاری از نقش ها و وظایف حکومت اسلامی را در شخص فقیه و حاکم اسلامی تصور می کردند و این وظایف را به شخص حاکم اسلامی می سپردند. ثانیاً، منظور از «حکومت» در این بحث، منحصر در قوه مجریه و دولت اسلامی نیست، بلکه همه عوامل و تشکیلات حکومتی، اعم از اجرایی، تقنینی، قضایی، نظامی، انتظامی، امنیتی، فرهنگی و نیز دستگاه هایی است که به طور مستقیم تحت اشراف حاکم اسلامی فعالیت می کنند.

۳. ادله بحث

الف) قرآن

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا ۱۶۳





الزَّكَاةَ وَ أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست» (حج: ۴۱).

واژه «تمکین» از ریشه «مکن» به معنای قدرت و توانایی است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۵۱۶) و بیشتر مفسران نیز تمکین را در این آیه، مصداق قدرت سیاسی و حکومتی دانسته‌اند.^۱ به عنوان نمونه طبرسی در مجمع‌البیان می‌گوید: «فالمعنی: الذین اعطیناهم ما یصح الفعل منهم و سلطانهم فی الارض ادوا الصلاة بحقوقها؛ کسانی هستند که خداوند امکانات لازم را برای انجام امور به آنان می‌دهد و سلطنت و حکومت را به آنان تفویض می‌کند که حق نماز را به‌جا آورند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۴۰).

همچنین مراغی در تفسیر خود بر آن است که: «هؤلاء الذین اخرجوا من دیارهم هم الذین ان مکناهم لهم فی البلاد فقهروا المشرکین و غلبوهم علیها اطاعوا الله فاقاموا الصلاة النحو الذی طلبه؛ کسانی که هجرت کردند و از خانه‌های خود خارج شدند اگر ما (خداوند) آنان را در سرزمینشان حاکم کنیم و آنان یا مشرکان بچنگند و بر آنان غالب شوند، اطاعت خدا را به‌جا خواهند آورد و نماز را بر وجهی که خداوند می‌طلبد، اقامه خواهند نمود» (مراغی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۲۰).

علامه طباطبایی نیز می‌نویسد:

مراد از تمکین آنان در زمین این است که ایشان را در زمین نیرومند کند؛ به‌طوری‌که هر کاری را بخواهند، بتوانند انجام دهند و هیچ مانع یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود و در توصیف آنان می‌فرماید: یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکینی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند، حریتی داده شوند، در میان همه انواع و انحای زندگی، یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن، نماز به پا داشته و زکات داده می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد و اگر از میان همه جهات عبادی نماز و از میان همه جهات مالی زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب خود عمده هستند. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۵۴۷).

ایشان معتقد است حکم این آیه عمومیت دارد و چنین استدلال می‌کند:

۱. تمکین در برخی آیات دیگر نیز به معنای سلطه اجتماعی و حکومت به کار رفته است (نک: یوسف: ۲۱؛ کهف: ۸۴؛ اعراف: ۱۰).

وقتی صفت مؤمنان در صدر آیات باشد و مراد از این صفت نیز آن باشد که در صورت داشتن قدرت و اختیار، اجتماعی صالح به وجود می‌آورند و از سوی دیگر، حکم جهاد هم مخصوص به طایفه معینی نباشد، نتیجه می‌گیریم که مراد از «مؤمنان» عموم مؤمنان آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است. بنابراین، دیگر نباید توهم کرد که مراد از این صفت، صفت خصوص مهاجران زمان رسول خدا ﷺ است (همان).

مطلب دیگر در این آیه شریفه، «اقامه نماز» است. طبرسی در *جوامع الجامع* معتقد است: «قرآن از ادای نماز به اقامه نماز تعبیر کرده است؛ همان گونه که عرب می‌گوید: اقام العود؛ یعنی چوب را راست کن» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰). شیخ طوسی در *تبیان* می‌نویسد: «اقامه نماز به معنای به جا آوردن نماز است با تمام حدود و فرایض و واجباتش؛ چنان که گفته می‌شود اقام القوم سوقهم؛ یعنی بازار پایدار است و هیچ‌گاه از خرید و فروش خالی نخواهد بود» (طوسی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۶). برخی دیگر از مفسران درباره «اقامه نماز» نوشته‌اند: «این تعبیر بالاتر از نماز خواندن هر فرد مسلمان و انجام تکلیف شخصی است و اشاره به این است که مؤمنان نه تنها خودشان نماز می‌خوانند، بلکه کاری می‌کنند که این رابطه محکم با پروردگار همیشه و در همه جا بر پا باشد» (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۷، ص ۸۸). در *تفسیر المیزان* هم آمده است: «اقامه به معنای به پاداشتن هر چیز است؛ به نحوی که تمامی آثار آن چیز بر آن مترتب باشد و هیچ اثر و خاصیتی پنهان و مفقود نماند؛ مانند اقامه عدل، اقامه سنت، اقامه شهادت، اقامه حدود، اقامه دین و مانند آن» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص ۶۲).

بنابراین، طبق آیه شریفه «إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ» (قدرت داشتن) و «اقاموا الصلاة» (به پا کردن نماز) هنگامی که مؤمنان و صالحان واجد قدرت و حکومت شدند و بسط ید یافتند، باید در راه به پاداشتن نماز و اقامه این فریضه الهی بکوشند و آن را وظیفه اصلی و اساسی خود برشمارند. البته بی‌گمان تأکید آیه شریفه بر نماز از باب تأکید بر فرد اعلاست؛ چه این که نماز، فرد اعلائی عبادات است و حکومت اسلامی درباره اقامه مطلق عبادات مسئولیت دارد. در واقع، خصوصیت این آیه درباره نماز است، ولی عمومیت آن همه عبادات را دربرمی‌گیرد و البته خداوند در ادامه آیه، زکات و امر به معروف و نهی از منکر را نیز ذکر کرده است.



ب) روایات

یک - روایت اول

امام باقر علیه السلام فرمود: «بنی الاسلام علی خمسة اشياء علی الصلاة والزكاة والحج والصوم والولاية». قال زرارة: قلت: و ای شیء من ذلك افضل؟ فقال: «الولاية افضل لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن»؛ «اسلام بر پنج چیز بنا شده است، نماز و زکات و حج و روزه و ولایت». زراره می‌گوید: گفتم: کدام یک از این‌ها برتر است؟ فرمود: «ولایت؛ زیرا کلید آنهاست و والی و حاکم هم نشانه و طریق این اعمال است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۳).

محتوای این روایت صحیح‌السند که از سلسله رجال بسیار خوبی برخوردار است، حدود بیست بار با اسناد متفاوت ذیل این باب وارد شده است که از تواتر معنوی آن خبر می‌دهد. دلالت آن هم بر وظیفه‌مند بودن حکومت اسلامی در خصوص عبادات، بر این تحلیل مبتنی است که حضرت، اصل اساسی و حیاتی ولایت را با بیانی تعلیلی، اصل حاکم بر اصول پیش‌گفته قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که ولایت و حکومت اسلامی به منزله کلید این امور است و در صورت تحقق، بهترین زمینه برای عملی شدن عبادات خواهد بود. بنابراین در صورت عدم تحقق حکومت اسلامی، ممکن است مکلفان به صورت فردی عبادات خود را انجام دهند، ولی این عبادات واجد روح کامل و جامع نیست و تحقق حکومت اسلامی می‌تواند عاملی برای دمیده شدن روح ولایی در عبادات و بهتر اجرا شدن آن به شمار آید.

دو - روایت دوم

امام علی علیه السلام فرمود: «و علی الامام ان يعلم اهل ولايته حدود الاسلام و الايمان؛ بر امام است که حدود اسلام و ایمان را به اهل ولایت خویش تعلیم دهد» (تمیمی، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۳۱۸) که در حقیقت این تعلیم اسلام و ایمان، مقدمه اجرایی و عملیاتی شدن آن را فراهم خواهد کرد.

سه - روایت سوم

امام علی علیه السلام ضرورت بینش‌دهی و تعلیم امت را از سوی امام، در نامه‌ای به عثمان بن حنیف، فرماندار خود در بصره چنین تبیین می‌فرماید: «الا و ان لكل مأموم اماما یقتدی به و یستضئ بنور علمه؛ هان! هر پیروی را پیشوایی است که از او پیروی می‌کند و از نور



دانشش پرتو می گیرد.» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

چهار - روایت چهارم

امام علی علیه السلام درباره وجود حکومت مطلوبی که در آن، حاکمان و مردم به خوبی از وظایف خود آگاه هستند و تأثیر آن بر تحقق عبادات به صورت کامل در جامعه می فرماید: «فاذا ادت الرعية الى الوالى حقه و ادى الوالى اليها حقه، عز الحق بينهم و قامت مناهج الدين؛ پس زمانی که مردم و حاکمان حقوق متقابل را رعایت کنند، حقیقت بین آنها عزیز خواهد شد و احکام دین قامت راست خواهد نمود» (همان، خطبه ۲۱۶). حضرت در مقابل اشاره می کند که اگر حاکم و مردم حقوق متقابل خود را رعایت نکنند، سنت متروک می ماند و به هوا و هوس رفتار می شود و احکام تعطیل می گردد: «ترکت محاج السنة فعمل بالهوى و عطلت الاحکام» (همان). بدین ترتیب، مقصد نهایی حکومت باید به گونه ای باشد که زمینه تحقق احکام الهی را بگستراند و در این صورت، نه حکمی از احکام الهی تعطیل می شود و نه فسادی در زمین پدید می آید و نه سنتی از سنت های الهی بر زمین می ماند.

پنج - روایت پنجم

امام علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر، از او برای برپا کردن دین خدا یاری می طلبد و می نویسد: «فانک ممن استظهر به علی اقامة الدين» (همان، نامه ۴۶). روشن است که حضرت، مالک را در جایگاه حقوقی اش مورد خطاب قرار می دهد و از او در مقام کسی که در حکومت اسلامی، والی و فرماندار است، اقامه دین و احکام دینی را به عنوان وظیفه ای حکومتی می خواهد که در حقیقت جزء وظایف اصلی او به شمار می رود.

شش - روایت ششم

امام علی علیه السلام درباره وظیفه والی حکومت اسلامی در رسیدگی به حج و امور حجاج در نامه ای به قثم بن عباس، فرماندار خود در مکه مکرمه می نویسد: «فاقم للناس الحج و ذکرهم بایام الله و اجلس لهم العصرین فافت المستفتی و علم الجاهل و ذکر العالم و لا یکن لک الی الناس سفیر الا لسانک و لاجب الا وجهک؛ برای مردم حج را به پای دار و روزهای خدا را به یادشان آور. در بامداد و شامگاه در مجلسی عمومی با مردم بنشین و آنان را با دستورالعمل های دینی آشنا گردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفت و گو بپرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام رسان تو نباشد و جز چهره ات دربانان وجود نداشته باشد» (همان، نامه ۶۷).





این نامه در حقیقت دستوری حکومتی از خلیفه مسلمین به فرماندار خود است که با توجه به جایگاه حقوقی اش در حکومت اسلامی، موظف شده به امور عبادی مردم در حج رسیدگی کند. از این رو، روشن است که امور دینی و عبادی هرگز از شئون حکومتی و سیاسی جدا نیست و در اندیشه سیاسی اسلام، نهاد دین همان نهاد سیاست و حکومت است و در حقیقت حاکمان و صاحبان قدرت سیاسی، مسئول سامان دهی به امور دینی و عبادی مردم‌اند.

ج) دلیل عقلی

دلیل عقلی بر چند مقدمه استوار است که بدان‌ها می‌پردازیم:

یک - ارتباط با خداوند و جایگاه عبادات در آن: اگرچه ایجاد ارتباط بندگان با خداوند به اعمال خاصی منحصر نیست و هر بنده می‌تواند با هر زبان و در هر حالت و مکان و زمانی و خالی از هرگونه تشریفات و بی‌واسطه با خداوند همیشه حاضر ارتباط برقرار کند، به یقین معمول‌ترین، متقن‌ترین و مؤثرترین روش برای ارتباط با خداوند، عبادات و مناسکی است که او در قالب دین برای سعادت دنیا و آخرت بشر فرستاده است. انسان از طریق این عبادات می‌تواند بهتر به خدا برسد و در پرتو آنها به سکونت و آرامش دست یابد. این آرامش و خالی بودن از هرگونه نگرانی در انسان‌هایی که اهل انجام عبادات دینی هستند، آشکارا دیده می‌شود و بررسی زندگی متدینان کاملاً این نکته را تأیید می‌کند. براین اساس، بهترین راه برای نجات از زندگی پراضطراب، عبادت و توجه به خداوند متعال است و مهم‌ترین عامل نگرانی، دوری از یاد خداست؛ چه این که قرآن کریم می‌فرماید: « مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً »؛ هر آن کس که از یاد خدا رویگردان باشد، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت» (طه: ۱۲۴). بنابراین، نماز که مصداق تمام عبادات است، واسطه ذکر بندگان با خداوند خواهد بود.

دو - ارتباط با خداوند عامل اصلی آسایش روحی - روانی: تحقق آسایش روحی - روانی نیازمند ابزار است و به صورت اتفاقی روی نخواهد داد. اصلی‌ترین و درعین حال کلیدی‌ترین راهکار تحقق آسایش روحی - روانی انسان، ارتباط با خداوند متعال است. خداوند قادر لایزال و حی لایموت و غفور رحیم بهترین و استوارترین تکیه‌گاه انسان‌هاست که بنده اویند و تنها پناهگاهی است که آنها می‌توانند در برخورد با دشواری‌ها به او پناه آورند و آرام گیرند. این مسئله‌ای است که هم در کتاب و سنت بدان اشاره شده و هم عقل انسان بر اثر تجربه بشری بدان اذعان یافته است.

سه - نیاز جامعه به آسایش روانی: یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان‌ها، آسایش روحی - روانی است؛ به طوری که حتی اگر جوامع پیشرفته از نظر تأمین آسایش مادی شهروندان، فاقد آسایش روحی - روانی باشند، توان و فرصت استفاده از امکانات مادی را نخواهند داشت. براین اساس، نیاز انسان به آسایش روحی - روانی، مستند به فطرت، عقل و طبیعت اوست. آنچه امروز بشر با آن سردرگریبان است، مسئله نگرانی ناشی از زندگی مدرن است و حکومت‌ها نیز به دنبال درمان این درد هستند. این چیزی است که بشر از آن رنج می‌برد و عقل حکم می‌کند هر چیزی که انسان را از اضطراب برهاند و به آرامش برساند، بدان تمسک یابد. قرآن نیز می‌فرماید: « وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا » (نور: ۵۵).

چهار - حکومت و وظیفه تأمین آسایش روانی در جامعه: به یقین عقل حکم می‌کند از جمله وظایف اصلی حکومت‌ها، ایجاد شرایط مطلوب برای شهروندان است تا آنان هیچ‌گونه نگرانی نداشته باشند و در کمال آرامش روحی - روانی و امنیت زندگی کنند. از این مقدمات روشن شد که اولاً، انسان نیازمند آرامش روحی - روانی است. ثانیاً، این آرامش در پرتو ارتباط با خداوند میسر است. ثالثاً، بهترین راه ارتباط با خداوند، عبادات و مناسک دینی است. رابعاً، حکومت وظیفه دارد این آرامش را فراهم آورد. بنابراین، چون تأمین آسایش مردم در جامعه وظیفه حکومت و بهترین راه تأمین آسایش، عبادات است، عقل حکم می‌کند بر حکومت واجب است اجرا، نظارت و حمایت از عبادات را وظیفه خود بداند تا بتواند آسایش روحی - روانی مردم را محقق سازد. از این رو، حکومت باید درصدد گسترش عبادات در جامعه باشد و اقامه آن را وظیفه مهم و سرنوشت‌ساز خود برشمارد و امکانات خود را تا حد توان برای تحقق این امر حیاتی به کار بندد. در این صورت، موفق خواهد شد جامعه‌ای سالم پدید آورد، ولی در صورت تغافل، تجاهل، تساهل و تسامح به این مسئله اساسی، جبران زیان‌های این غفلت، جهالت، سهل‌انگاری و مسامحه‌کاری هرگز ممکن نخواهد بود و جامعه دچار معیشت‌سنکی خواهد شد که خداوند وعده آن را به غافلان از ذکر خود داده است.

۴. بررسی نقش آموزشی، اجرایی، حمایتی و نظارتی حکومت اسلامی درباره عبادات

در بخش‌های مختلف عبادات اسلامی، از مسئولیت‌های «حکومت اسلامی» سخن به میان آمده که در سه قالب قابل طرح است:





الف) نقش آموزشی حکومت در عبادات: یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی در برابر عبادات، پرداختن به مقوله آموزش است. اینک به برخی از شواهد قرآنی و روایی در این باره می‌پردازیم:

- حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که از خداوند متعال طلب رحمت و برکت می‌کند و برای اهلش از خداوند بعثت رسول را می‌خواهد می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره: ۱۲۹). در این آیه ابراهیم علیه السلام از خداوند رسولی را می‌خواهد که آیات الهی را بر مردم بخواند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد. بنابراین، روشن است که در این آیه یکی از وظایف مهم رسول که در مقام امام جامعه شناخته می‌شود، تعلیم کتاب و حکمت است که عبادات نیز زیر مجموعه آن قرار می‌گیرند.

- امام علی علیه السلام در نامه‌ای به قثم بن عباس، حاکم خود در مکه می‌نویسد: «اجلس لهم العصرين فأت المستفتي و علم الجاهل و ذاكر العالم؛ برنامه شبانه‌روزی خود را طوری تنظیم کن که صبح و عصر با مردم جلسه داشته باشی و به پرسش‌های آنان پاسخ دهی و مردمی را که نمی‌دانند بیاموزی و به مردمی که می‌دانند یاد آوری کنی» (نهج البلاغه، نامه ۶۷). روشن است که امام علی علیه السلام این نامه را از موضع حاکم اسلامی و به‌عنوان دستورالعملی حکومتی به استاندار خود نگاشته است.

- همچنین ایشان درباره حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی می‌فرماید: «فاما حَقِّمَ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةَ لَكُمْ وَ تَوْفِيرَ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمَكُمُ كِي لَا تَجْهَلُوا؛ حق شما بر حکومت و وظیفه حکومت در برابر شما این است که اولاً، شما را نصیحت و خیرخواهی کند. ثانیاً، حقوق مالی‌تان را به شما برساند. ثالثاً، شما را آموزش و تعلیم دهد که جاهل نمانید» (همان، خطبه ۳۴). بنابراین، حضرت آشکارا تعلیم و آموزش را جزء وظایف اصلی حکومت برمی‌شمارد.

ب) نقش اجرایی حکومت در عبادات: از آیات الهی و روایات و سیره معصومان علیهم السلام به‌دست می‌آید که کمک به اجرای عبادات، یکی از وظایف حکومت اسلامی بوده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

یک - نماز جماعت: پیشوایان معصوم همکاری در اجرای نماز جماعت را برعهده حکومت و حاکم نهاده‌اند؛ زیرا با حضور زمامدار مسلمین در نماز جماعت، او برای امامت «اولی» و «مقدم» است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۱۹).

دو - تجهیز میت: «امام» «سلطان» و «والی» در صورت حضور در مراسم نماز میت،

برای انجام این فریضه و عبادت الهی احق معرفی شده است (همان، ج ۲، ص ۸۰۱).
سه - نماز جمعه: این تقدم و اولویت در نماز جمعه آشکارتر است و اساساً کسی شایسته امامت جمعه است که پیشوای مسلمین باشد یا از سوی او برای این امر گمارده شده باشد. امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

در جمعه خطبه قرار داده شده است؛ زیرا نماز جمعه، اجتماعی عمومی است که حاکم اسلامی بدین وسیله مردم را موعظه می‌کند و آنان را از مصالح دینی و دنیوی‌شان آگاه می‌سازد و از حوادث دنیا باخبرشان می‌نماید (همان، ج ۵، ص ۳۹).

چهار - رؤیت هلال و صلاة عیدین: مهم‌ترین نتیجه اجرا شدن عبادات از سوی حکومت، پدید آمدن وحدت، هماهنگی و انسجام بیشتر در تحقق عبادات است. اصولاً نظر اسلام در برگزاری و انجام امور عبادی، بر هماهنگی و نظم است و این هماهنگی در برخی موارد به صورت دستوری فردی و چه بسا غیرالزامی و در قالب «حکم استجابی» مطرح شده است و زمانی شکل عمومی و الزامی دارد که از سوی پیشوای مسلمین اعمال می‌شود. مثلاً این که چه روزی عید فطر است، با تحقیق و تفحص از سوی حاکم اسلامی و حکم امام مسلمین معلوم می‌گردد. در صدر اسلام نیز مسلمانان هم‌زمان با روزه گرفتن پیامبر روزه می‌گرفتند و هر روز را که پیامبر عید اعلام می‌کرد، عید می‌دانستند؛ چنان که شیخ طوسی نیز معتقد است اثبات رؤیت هلال برعهده رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۱۵۵).

پنج - حج: در انجام مناسک حج که مسلمانان به صورت گسترده و منظم در یک زمان و مکان به انجام وظایف خود می‌پردازند، حاکم اسلامی نقش برجسته‌تری برعهده دارد تا در مناسک آن پراکندگی رخ ندهد. براین اساس، از صدر اسلام این سنت وجود داشته است که هر سال شخص حاکم اسلامی یا نماینده او با عنوان «امیرالحاج» در مراسم حج حضور می‌یافتند و این مسئولیت را به انجام می‌رساندند. مسعودی در تاریخ خود نام افرادی را که در مقام امیرالحاج معرفی می‌شدند، از ابتدای اسلام تا عصر خود ثبت کرده است (مسعودی، بی تا، ج ۴، ص ۳۹۶).

ج) نقش حمایتی حکومت در عبادات: عبادات نیز مانند دیگر امور، برای برپاشدن هرچه بهتر، به حمایت و حامی نیاز دارد. از جمله نقش‌هایی که حکومت می‌تواند در عبادات ایفا کند، بعد حمایتی است. از آنجاکه تدبیر مصارف بیت‌المال مسلمین برعهده حکومت و شخص حاکم و منصوبان اوست و یکی از اموری که باید از بودجه بیت‌المال تأمین شود





عبادات است، بنابراین، حکومت، بهترین نهاد و صلاحیت‌دارترین حامی عبادات به شمار می‌آید.

شیخ طوسی در نهاییه بر آن است که مستحب است مؤذن برای ثواب اذان بگوید و اگر نیازمند است، از بیت‌المال او را تأمین کنند: «جاز ان يأخذهُ المؤذن من بیت المال من مال المصالح لانه منها فقد یحتاج المسلمون الیه و یجوز ان یعطیه الامام من خاصته» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۲۸). ابن‌ادریس حلی نیز می‌نویسد: «اخذ الأجره علی الاذان محظور، لابس يأخذ الرزق علیه من سلطان الاسلام و نوابه» (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۵).

چه بسا اگر این حمایت از عبادات صورت نگیرد، مسلمانان در انجام عبادات سست شوند و گاه به علت عدم تمکن مالی نتوانند عبادات را انجام دهند. براین‌اساس، حاکم اسلامی مسئولیت دارد از تعطیلی احکام اسلامی جلوگیری کند؛ به‌ویژه اگر عبادتی از جنبه اجتماعی «شعار دین» تلقی گردد، به‌گونه‌ای که بی‌اعتنایی آن از سوی مسلمین، اسلام و حکومت اسلامی را سست و ضعیف جلوه دهد و از عزت و عظمت آن بکاهد، بر حکومت اسلامی تکلیف است در جهت حفظ و احیای آن فریضه الهی، وظیفه حمایتی خود را انجام دهد. برای نمونه، در برنامه‌های عبادی - سیاسی اسلام، حج مراسمی است که هر سال قوت، قدرت و شوکت مسلمانان را برای جهانیان به نمایش می‌گذارد. از این‌رو، اگر مردم به هر علتی حج را بر پا نکنند، حکومت موظف است آنان را بدان وادار سازد و در این زمینه حمایت‌های لازم را نیز انجام دهد؛ چه این‌که در این زمینه امام صادق علیه السلام وظیفه حکومت و حاکم را در مواقعی که حج تعطیل شده است، اجبار مردم بر حج می‌داند و می‌فرماید: «لو عطل الناس الحج، لوجب علی الامام ان یجبرهم علی الحج» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۴).

روشن است که حمایت حکومت اسلامی از عبادات می‌تواند جنبه‌های گوناگونی داشته باشد؛ همچون حمایت از اماکن مورد نیاز برای عبادت، مانند ساخت مساجد و حمایت‌های مالی از مشاهد مشرفه، تشویق کردن مردم و به‌ویژه جوانان و نوتکلیفان به اقامه عبادات، تربیت افرادی که بتوانند در آموزش مردم در امر عبادات آنان را یاری رسانند، ترویج شعائر دینی که سبب نهادینه شدن عبادات در جامعه اسلامی شود و دیگر راهکارهایی که می‌تواند ابعاد حمایتی حکومت اسلامی را در عبادات متبلور سازد.

د) نقش نظارتی حکومت در عبادات: در کنار مسئولیت اجرایی و حمایتی حکومت در عبادات، نظارت بر عبادات نیز از جمله مسئولیت‌های حکومت به شمار می‌آید و حاکم

اسلامی که در منصب ریاست عامه در امور دین و دنیای مردم انجام وظیفه می‌کند، باید در عرصه نظارت بر عبادات نیز وظیفه خود را انجام دهد. نظارت حکومت بر عبادات بدین است که حاکم با درپیش گرفتن سیاست‌های مناسب و گماردن افراد کاردان و آگاه به مسائل عبادی، به حسن اجرای عبادات، به‌ویژه عبادت‌هایی که جنبه اجتماعی بیشتری دارند، یقین کند.

جنبه دیگر نقش نظارتی حکومت اسلامی در عبادات، برخورد با متخلفان و معاندانی که می‌خواهند در برابر عبادات موانعی پدید آورند و آن را از مسیر اصلی خود منحرف سازند. در این صورت، حکومت باید وارد عمل شود و به وظیفه نظارتی خود عمل کند و مانع از بروز مشکل برای محقق شدن عبادات گردد. نمونه این نظارت، برخورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله با کسانی است که با اغراض سیاسی خاص، در ایجاد اختلال در نماز جماعت رسمی مسلمانان می‌کوشیدند و در نماز جماعت شرکت نمی‌جستند و حضرت آنان را به آتش زدن خانه‌هایشان تهدید کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۷۷). بر این اساس، اگر افرادی با اغراض خاص و مخرب در صدد ضربه زدن به اقتدار اسلام باشند و بخواهند از شکوه عبادات بکاهند، حاکم اسلامی می‌تواند با آنان برخورد کند. از زاویه دیگر، حکومت اسلامی این حق و وظیفه را دارد که با هنجارشکنان و کسانی که حریم حدود الهی و احکام اسلامی را رعایت نمی‌کنند، برخورد کند. مثلاً اگر فردی با علم و عمد روزه‌خواری کند و موضوع ثابت شود، حاکم اسلامی می‌تواند او را تنبیه و تعزیر کند.

۵. نتیجه

فقه حکومتی، در دوره معاصر مورد توجه خاص واقع شده است. و به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این توجه با اهتمام بیشتری پی‌گیری می‌شود. مهم‌ترین مسئله در فقه حکومتی، برداشت درست از این مفهوم است. برخی، فقه حکومتی را با فقه سیاسی و مسائل حوزه قدرت و حکومت مترادف می‌دانند؛ حال آن‌که این برداشت، نادرست است. فقه حکومتی آن است که همه مسائل و احکام شریعت با نگاه حکومتی و از منظر حکومت تحلیل شود و از این‌رو، همه مسائل در حوزه پوشش فقه حکومتی است و فقه حکومتی منحصر به یکسری مسائل خاص سیاسی و حکومتی نمی‌شود. بر اساس این رهیافت از فقه حکومتی، عبادات همان‌گونه که باید از منظر فردی بررسی شوند، باید بر اساس فقه حکومتی نیز تحلیل گردند و نتیجه بررسی عبادات از منظر فقه حکومتی، تحقق نگاهی نو به این مقوله است.





در حقیقت، نوعی رابطه تعاملی و تکاملی میان عبادات و حکومت وجود دارد. به عبارت دیگر، هم حکومت متأثر از عبادات است؛ زیرا می‌تواند در فرایند حدوث و بقای حکومت نقش اساسی ایفا کند؛ مانند رفتار سیاسی مردم همچون شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها، جهاد و غیره به‌عنوان عملی عبادی و شرعی که می‌تواند تبلور عینی حمایت از حکومت باشد و هم عبادات متأثر از حکومت است؛ چراکه حکومت بر اساس نوع رفتار خود در حوزه عبادات می‌تواند در شکل‌گیری کیفی و کمی عبادات مؤثر و متمر ثمر باشد. وجود رابطه تکاملی میان عبادات و حکومت بدین معنا نیست که امر عبادات کاملاً حکومتی تلقی شود و حکومت در همه عرصه‌های عبادات مداخله کند، بلکه بدین معناست که عبادات برای بهتر برگزار شدن و زدودن آسیب‌های احتمالی و تحقق سریع‌تر و جامع‌تر، به حمایت‌ها، نظارت‌ها و رسالت‌های حکومت نیاز دارد و به‌ویژه عباداتی که وجه گروهی و جمعی دارند؛ مانند نماز جماعت، نماز جمعه و حج برای تحقق کامل نیازمند حمایت حکومت اسلامی هستند.

نکته پایانی آن که، مقوله نگاه حکومتی به تمامی ابواب فقه در آغاز راه است و فقه زمان حاضر با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی و توقع ایجادشده از طرف انقلاب اسلامی در این زمینه، به شدت نیازمند تجزیه و تحلیل حکومتی است. پس فقه برای ایفا کردن نقش تاریخی خود در این برهه از زمان، باید از منظر حکومتی مورد توجه قرار گیرد و نوشته حاضر، اشاره‌ای گذرا به مقوله حکومتی عبادات به‌عنوان بخشی از فقه بود و می‌تواند هم بخش عبادات و هم دیگر ابواب فقهی با نگاهی فقیهانه و محققانه از منظر فقه حکومتی بررسی شود تا شاهد ایفای نقش تاریخی فقه در جایگاه خویش باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن منظور (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، تحقیق یوسف خیاط، بیروت: نشر دارالجيل.
- تمیمی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم: دارالمعارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، الصحاح اللغة، بیروت: دارالعلم.
- حر عاملی (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۷۳)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- شهید ثانی، زین العابدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۷)، جوامع الجوامع، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
- فیض کاشانی (بی تا)، مفاتیح الشرائع، قم: مؤسسه مجمع الذخایر الاسلامیه.
- عنایت، حمید (۱۳۴۶)، فلسفه سیاسی در غرب، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- کرکی، محقق ثانی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ دوم.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا)، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: دارالاندلس.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (بی تا)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم.
- مصطفوی، سید حسن (بی تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی، قم: انتشارات دارالعلم.

